

خدمات پژوهشگران و دانشمندان هندی به زبان و ادب فارسی*

دکتر رضا مصطفوی

دانشگاه دهلی (هند)

هنديها در روزگاران کهن برای زبان و ادب فارسی زحمتهای فراوانی کشیده‌اند که ذکر همه آنها بی‌شک در این مجال اندک آسان نیست. موضوع سینه‌اری که چند هفته پیش در همین دانشگاه و همین سالن با حضور استادان و مدرّسان دانش‌پژوهان زبان و ادبیات فارسی و مشتاقان فرهنگ ایران داشتیم، عبارت بود از: «سهم دهلی در گسترش زبان و ادبیات فارسی» (۱) که سخنوران محترم در آن مجلس هر یک به بیان گوشه‌ای از سهم دانشمندان و نویسندگان و ادیبان این شهر و فقط این شهر پرداختند و البته اندکی بود از آن بسیارها، و اگر آنهمه فقط سهم دهلی بود سهم هند پهناور و خدماتش به زبان و ادب فارسی نیازی به تفصیل ندارد. استادان گرامی، حاضران ارجمند و دانشجویان عزیز! شما در کجای دنیا سراغ دارید که ملتی درباره زبانی که بهر جهت زبان مادری آنها نیست، اینهمه کتاب و مقاله و تحقیقات علمی مکتوب و مدرّن کرده باشند و این مقدار کتاب لغت و تاریخ و تذکره انتشار داده باشند. تحقیقاتی که بعضی از آنها امروز برای اهل این زبان از اسناد مهم به شمار نمی‌رود و پاره‌ای همچون برهان قاطع و آنند راج از جمله معتبرترین کتب لغت فارسی محسوب می‌گردد (۲).

* به مناسبت مجلس بزرگداشت پرفسور امیر حسن عابدی استاد ممتاز و بازنشسته دانشگاه دهلی در روز ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۷۰ در تالار تاگور آن دانشگاه ایراد گردید.

«فاش می‌گویم و از گفته خود دلشادم» (۳) که اعتراف کنم هندیها از ایرانیان در فرهنگ‌نویسی فارسی در گذشته و پیش از دوره معاصر گوی سبقت را برده‌اند (۴).

نخستین کتاب لغت موجوده مانده از قدیم که وسیله ایرانیان تالیف یافت، لغت فرس اسدی طوسی مربوط به نیمه دوم قرن پنجم هجری (۴۶۵-۴۵۸) با حدود ۲۲۲۸ واژه است. دومین کتاب لغت موجود از جهت تاریخ که در ایران تدوین یافته، صحاح الفرس تالیف محمد بن هندوشاه نخبوانی است که به سال ۵۷۲۸ با ۲۳۰۰ واژه در تبریز نوشته شد (۶) که چنانکه ملاحظه می‌گردد حدود دو قرن و نیم با کتاب نخست فاصله زمانی دارد و قابل ذکر اینکه پس از صحاح الفرس نیز بجز معیار جمالی که به سال ۷۴۴-۵ تالیف یافت تا قرن دهم هجری قمری در ایران کتاب مستقل و معتبر دیگری در زمینه لغت‌نویسی تدوین نیافت.

نخستین فرهنگ معتبر فارسی که در شبه‌قاره هند تالیف شد ظاهراً «فرهنگ قواس» یا «فرهنگ‌نامه» یا «فرهنگ پنج‌بخشی» تالیف فخرالدین مبارک شاه قواس غزنوی معروف به قواس در اوائل قرن هشتم هجری قمری است (۷) که در دوره محمد شاه خلجی پادشاه هند (۷۱۶-۶۹۵) تدوین گردید و حدود بیست هزار واژه را شامل می‌گردد. اما فرهنگ‌نویسی به سرعت رونق یافت و دانشمندان و زبان‌شناسان هند و پاکستان بیش از همه دیگر مراکز زبان فارسی در این خصوص کار کردند تا بدانجا که زحمتشان و خدماتشان در این زمینه چندین برابر پژوهشهایی است که وسیله خود ایرانیها انجام گرفته است و ما امروز بیش از ۱۴۰ عنوان از فرهنگهای فارسی تالیف هندیان را می‌شناسیم (۸).

در زمینه تذکره‌نویسی فارسی نیز این آمار به پیش از ۱۲۰ عنوان بالغ می‌گردد که همین رقم خود دلیلی دیگر بر انبوهی شاعران و نویسندگان و اهل قلم فارسی‌نویس و فارسی‌گوی هندی است که نامشان در آن تذکره‌ها و تاریخ

شعراها آمده است (۹).

کتابهای تاریخی نیز که به برکت وجود دانشوران هندی آگاه و بصیر به زبان فارسی فراهم گشته، رقمی در خود توجه دارد که نگارنده تاکنون به حدود ۷۰ عنوان از آنها دست یافت است (۱۰).

بنا بر این مقدمه پرورش یافتن دانشمندانی همچون پرفسور عابدی (۱۱) در چنین محیطی جای شگفتی نیست و نیز تعجبی ندارد که در چنین جایی و سرزمینی بارور که اینهمه آثار علمی به زبان فارسی فراهم آمده، او هم اینهمه آثار دیگر بیافریند.

کارنامه پرفسور عابدی که حدود نیم قرن (۱۲) بر تارک زبان فارسی به پژوهش پرداخته، بسیار درخشان است.

پژوهشنامه‌های مهم چاپ شده پرفسور عابدی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد.

بخش اول: متونی که ایشان تصحیح کرده‌اند و همراه با مقدمه‌ای به چاپ رسیده است که به اختصار و به ترتیب چاپ عبارت است از:

۱. گلزار حال یا طلوع قمر معرفت که با همکاری دکتر تارا چند فقید به سال ۱۹۶۱ از سوی دانشگاه علیگره به چاپ رسیده است.

۲. مثنویات فانی کشمیری که چهار مثنوی فانی تصحیح گردیده و آکادمی هنر و فرهنگ و زبانهای جامو و کشمیر آنرا به سال ۱۹۶۴ به چاپ رسانیده است.

۳. جوگ و شست (۱۳) که با همکاری دکتر تارا چند تصحیح شده و همراه با فرهنگ لغات آن به سال ۱۹۶۸ وسیله دانشگاه علیگره چاپ و منتشر گردیده است.

۴. مثنوی سوز و گذار اثر نوعی خوشانی (۱۴) است که با تصحیح استاد عابدی و وسیله بنیاد فرهنگ ایران به سال ۱۹۷۰ انتشار یافته است.

- ۵- تذکرهٔ منتخب اللطایف از ایران به سال ۱۹۷۱ به چاپ رسیده است.
 - ۶- داستان پدماوت (۱۵) سرودهٔ ملک محمد جاییسی (۱۶) از شاهکارهای ادبیات هند که به سال ۱۹۷۲ از سوی بنیاد فرهنگ ایران به چاپ رسیده است.
 - ۷- پنجاکیانه (۱۷) ترجمهٔ خالقداد عباسی که با کمک دکتر تارا چند (۱۸) تصحیح گردید و به سال ۱۹۷۳ از سوی دانشگاه علیگره (شماره ۶) انتشار یافت.
 - ۸- تاریخ سلاطین صفویه از نویسنده‌ای ناشناخته که به سال ۱۹۷۵ وسیلهٔ بنیاد فرهنگ منتشر گردید.
 - ۹- ضمیمهٔ تفلن‌نامهٔ امیر خسرو که با همکاری شادروان دکتر مقبول احمد (۱۹) تصحیح گردیده و به سال ۱۹۷۵ از سوی انجمن فارسی هند منتشر شد.
 - ۱۰- عصمت‌نامه یا قصهٔ مینا و لورک (۲۰) که به سال ۱۹۸۵ وسیلهٔ مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دهلی‌نو به چاپ رسید. بخش دوم: کتابها و مقاله‌های تحقیقی استاد را شامل می‌گردد که دربردارندهٔ کتابهایی مانند «ابو طالب کلیم کاشانی» (۲۱) است که به بررسی احوال شاعر ملکشمرای دربار شاهجهان پادشاه تیموری بود، پرداخته شده و نیز مقاله‌هایی را در برمی‌گیرد که نگارندهٔ به حدود ۱۶۰ عنوان از آنها دست‌یافت و البته بیش از اینهاست و شاید به دویست (۲۲) مقاله برسد.
- برای ارزیابی هر یک از دو بخش یاد شده، باید عرض کنم: در مورد بخش نخست یعنی تصحیح متون همچنانکه بر اهل تحقیق روشن است، دست‌یافتن به نسخه‌ای که بتوان آنرا «اساس» نهاد کار آسانی نیست و اغلب با دشواریهایی همراه است که گاه نشدنی است و اهل فن می‌دانند که زحمت تصحیح یک متن به شرطی که بر مبنای اصول علمی انجام گیرد، از تالیف بیشتر است.
- پرفسور عابدی در این قسمت از کارهایش با دقت و حوصله‌ای که خاص

اوست، نسخه‌های خطی گوناگون را از الفا نقاط فراهم آورده‌اند و نسخه بدلهای گوناگون را نقل کرده‌اند به نحوی که بعضی از کتابهای تصحیح شده ایشان در خطهٔ پهنار هند کم‌نظیر است.

اما در زمینهٔ مقاله و نوشته‌های تحقیقی استاد، تنوع و فراوانی خاصی به چشم می‌خورد. این محقق پُرکار و پُرحوصله در پژوهشنامه‌های متنوع خود از شبه‌قارهٔ هند تا فراسوی مرزهای هند و ایران و ترکیه و شوروی و دیگر مراکز قلمرو زبان فارسی به سر آفاق می‌پردازد و هر جا نشانی و نکته‌ای از مسائل مربوطه به زبان فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی می‌یابد، جاذبه درونش او را بدان سو می‌کشد تا بکاود و باز نماید و بنویسد. در پرواز اندیشه به همه‌جا پر می‌کشد و سر می‌زند و از کران تا کران سرزمینهای دور در قلمرو زبان و ادب پارسی سیر می‌کند و خوشه‌ها می‌چیند و به بار می‌نشانند. در این سفر روحانی از زادگاهش هند آغاز کند و به «هندوی فارسی‌دان» (۲۳) می‌پردازد و از «نظیر اکبرآبادی و سبک‌هندی» (۲۴) و «مثنوی مهر و ماه جمالی دهلوی» (۲۵) و «بعضی نسخه‌های خطی مهم دیران حسن سنجری دهلوی» (۲۶) سخن می‌گوید. پس از آن از وطن رو به سرزمینهای دور دست می‌آورد، به این امید که در این سفرها با دست‌پُری برگردد و هم برمی‌گردد. در طوس سرزمین ادب‌پرور خراسان بزرگ در احوال «عارف خراسانی» (۲۷) تحقیق می‌کند. به «دیوان طوسی» (۲۸) می‌آویزد و «یک مسمای ناشناختهٔ دقیقی» (۲۹) را حل می‌کند. در آنجا به حال‌پُرسی «دانش مشهدی» (۳۰)، «قدسی مشهدی» (۳۱) و «ثنائی مشهدی» (۳۲) می‌رود و بعضی از اشعار ناشناختهٔ فردوسی و عنصری» (۳۳) را می‌یابد و وقتی شکوه و عظمت فردوسی را در طوس می‌بیند به تحقیق دربارهٔ «شاهنامه و هند» (۳۴) می‌پردازد. به شهر قوچان خراسان می‌رود تا دربارهٔ نوعی خبوشانی پژوهشی کند. در همان نزدیکی گزارش به نیشابور شهر بزرگ خراسان قدیم می‌افتد. ابتدا

سری به «خمس کده خیام» (۳۵) می‌زند و در این شهر «سه قصیده ناشناخته امیر معزی» (۳۶) شاعر معروف را می‌جوید. استاد در سفرش به سوی مغرب از دیار بیهق و سبزوار فعلی می‌گذرد و آنجا از «مولانا کاشفی سبزواری» (۳۷) سراغی می‌گیرد.

استاد عارف مسلک ما سپس روانه سرزمینهای سرسبز و خرم مازنداران می‌گردد. تا «صوفی مازندرانی» (۳۸) را ببیند و از احوال «طالب آملی» (۳۹) استفساری کند. در ایالت مجاور و کمی آن‌طرف‌تر به دیار با صفای گیلان و حاشیه‌های دریای خزر قدم می‌گذارد تا خطه پهناور و همیشه بهار گیلان را بنگرد و به دیدار «فتح گیلانی» (۴۰) نائل آید. سفر در حاشیه شمالی ایران استاد را به یاد زردشت به سرزمین آذرها و آذربایجان می‌کشاند و به یاد هند و سبک‌هندی می‌افتد و از سر سلسله شاعران سبک‌هندی «صائب تبریزی اصفهانی» (۴۱) سراغ می‌گیرد و سپس در آنجا به دیدار «شهریار» (۴۲) شاعر معاصر می‌شتابد. در کاشان شهر گل و گلاب ایران با استشمام عطر روح‌بخش مزارع گل سرخ درنگ بیشتری می‌کند و به سراغ «ابوطالب کلیم کاشی» (۴۳) می‌رود و سپس با در «شریف کاشی» (۴۴) و «سنجر کاشی» (۴۵) دیدار می‌کند. در سفرش به همدان به دیدن «ناصر همدانی» (۴۶) می‌رود و پس از آن در سازه از سلمان ساوجی می‌پرسد و «نسخه خطی و کهنه و پُرازش غزلیات سلمان ساوجی» (۴۷) را معرفی می‌کند و «چند غزل غیر چاپی» (۴۸) از او را باز می‌جوید.

استاد به شهر اصفهان که نصف جهان لقب داده‌اند، می‌رود تا تجلی هنر معماری و ذوق هنرمندان آن مرز و بوم را بنگرد و تحسینشان کند و در آنجا نیز به تحقیق درباره «مقطعات ناشناخته خلاق المغانی» (۴۹) بپردازد و درباره «صائب تبریزی اصفهانی» (۵۰) بکاود.

در سفر به نواحی جنوبی ایران به شهر شعر و عرفان شیراز می‌رود تا

به زیارت خواجه شیراز شتابد و «یکی از نسخهای خطی کهنه و امیل دیوان حافظ» (۵۱) را راه آورد «شکر شکنان قند پارسی» کند و ارمغانی برای «طوطیان هند» آورد. در شیراز «غزلیات ناشناخته سعدی» (۵۲) را باز می‌جوید و با «کامی شیرازی» (۵۳) دیدار می‌کند. استاد به کرمان یکی از درودترین شهرهای ایران نیز سفر می‌کند تا اعجاز هنر قالبی بافی را بنگرد و حال «خواجوی کرمانی» (۵۴) را بپرسد.

پرفسور عابدی استاد پُرکار ما به حکم وظیفه در بازگشت سری به پایتخت ایران می‌زند تا دارالخلافه را بنگرد و «سلیم تهرانی» (۵۵) و «سعدی تهرانی» (۵۶) را هم از یاد نبرده باشد. استاد قبل از ترک ایران قزوینیان را نیز در خاطر دارد و ملاقاتی با «سالک قزوینی» (۵۷) دست می‌دهد.

استاد عابدی دوری را بهانه نرفتن به سرزمینهای دورتر قلمرو زبان فارسی قرار نمی‌دهد و به شوق کعبه تحمل خار مغیلان (۵۸) می‌کند و برای سفر به سرزمین عثمانی رنج سفر را بر خود هموار می‌سازد تا دربارهٔ «آثار نادر امیر خسرو در ترکیه» (۵۹) به جستجو برخیزد. از ترکیه به شوروی قدیم سفر می‌کند تا یک «شاعر فارسی شوروی» (۶۰) را بیابد. در بلخ به زیارت «مولانا جلال‌الدین رومی» (۶۱) شاعر بلند آوازهٔ عارف می‌رود و در مرو با «خواجه حسن مروی» (۶۲) دیدار می‌کند و نیز بعضی «اشعار ناشناختهٔ فردوسی و عنصری» (۶۳) را باز می‌جوید.

استاد از راه افغانستان باز می‌گردد تا دربارهٔ «کلام غیر چاپی مولانا عبدالرحمن جامی» (۶۴) تفحص کند و به پژوهشی تحت عنوان «قصاید ناشناخته و گرانبهای شعرای بزرگ ایران» (۶۵) و «مقطعات و رباعیات ناشناختهٔ شعرای بزرگ فارسی» (۶۶) دست‌زند. او «روابط ادبی افغانستان و هند» (۶۷) را فراموش نمی‌کند و دربارهٔ «فعالتهای اجتماعی و ادبی افغانستان» (۶۸) داد سخن می‌دهد.

پرفسور عابدی در راه بازگشت به وطن و در پایان این سفر دور و دراز رفع خستگی را هوس دیدار سرزمین سیه چشمان کشمیری می‌کند تا «حدیث کشمیر در ادبیات فارسی» (۶۹) را بکاود و با استعانت از «موبد کشمیری» (۷۰) و با دیداری از «غنی کشمیری» (۷۱) به وادی استغنا رسد و سر انجام به همراه «فانی کشمیری» (۷۲) به فضای روحانی پای گذارد.

استاد وقتی قدم به خاک وطن می‌گذارد تنها خستگی این سفر طولانی و رنج تحصیل توشه فراوان علمی را احساس نمی‌کند که سیر در آفاق و انفس در ار تحولی به وجود می‌آورد تا آنجا که بعد مکانی را از یاد می‌برد و «تجزیه» وطن را فراموش می‌کند و به پاکستان می‌رود تا به بحث درباره «اقبال از حیث غزل‌سرای فارسی» (۷۳) بپردازد و از انوار «منیر لاهوری» (۷۴) کسب فیض کند و «تراجم آثار هندی به فارسی» (۷۵) را باز نویسد.

پرفسور عابدی احساسات ملی‌گرائی و وطن‌خواهی خویش را نیز هرگز از یاد نمی‌برد و از حق‌شناسی و قدردانی نسبت به آنهایی که به زبان فارسی خدمت کرده‌اند، غافل نمی‌گردد. مؤسسه بزرگ لکهنو را می‌ستاید و با مقاله‌ای تحت عنوان «سهم منشی نول‌کشور در گسترش ادبیات فارسی» (۷۶) دینی را که احساس می‌کند ادا می‌نماید. به بنارس می‌رود و «حدیث بنارس در ادبیات فارسی» (۷۷) را بیان می‌دارد سپس به دهلی باز می‌گردد و حسن ختام را «هند از دیدگاه امیر خسرو دهلوی» (۷۸) را می‌نمایاند.

از جهت کمیت نیز حجم پژوهشنامه‌های استاد بسیار چشمگیر است. اگر مقاله استاد را تحت عنوان «هندوی فارسی‌دان» که در دسامبر ۱۹۵۵ در مجله سخن انتشار یافته نخستین مقاله ایشان بدانیم و مقاله مربوط به عبدالرحمن جامی را که در ژانویه ۱۹۸۶ در مجله معارف به چاپ رسیده آخرین مقاله ایشان به شمار آوریم، مجموع مقاله‌های استاد فقط در فاصله زمانی همین ۳۱ سال به حدود

۱۶۰ بالغ می‌گردد که با توجه به بیش از دوازده کتاب چاپ شده ایشان در همین مدت، رقم صفحه‌های آثار پرفسور عابدی دهها هزار صفحه را شامل خواهد گردید. ما این موفقیت بسیار بزرگ را به استاد عابدی از بُن‌دندان تبریک می‌گوئیم و آرزو می‌کنیم خداوند سلامت و طول عمر به استاد دهد و سایه بلند و برکت ایشان را سالها بر سر زبان و ادب فارسی در خطه پهناور هند عزیز مستدام دارد و از این رهگذر زندگی علمی بسیار موفقیت‌آمیز استاد را رهنمودی و تجربه‌ای ارزنده فرا راه دانش‌پژوهان و نسل جوان ما گرداند که (۷۹):

مرد خردمند هنر پیشه را عمر دویایست در این روزگار
تا به یکی تجربه آموختن با دگری تجربه بردن بکار (۸۰)

پانوشتها:

- ۱- این سینتار در تاریخ ۲۵ دیماه ۱۳۷۰ هجری مطابق ۱۵ ژانویه ۱۹۹۲ در تالار تاجمور دانشگاه دهلی برگزار گردید.
- ۲- تفصیل این خدمات در مقاله مفصلی از نگارنده که در مقدمه فرهنگ فارسی هندی به چاپ خواهد رسید، آمده است.
- ۳- مطلع غزل مشهور حافظ و مصرع دوم چنین است:
«بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم» دیوان حافظ چاپ تزیینی و دکتر غنی/۲۱۶.
- ۴- نیز رک: پانوشت شماره ۲.
- ۵- رک: مقدمه لغت فارس به کوشش دکتر دبیر سیاقی.
- ۶- رک: مقدمه صحاح الفرس به اهتمام دکتر عبدالعلی طاعتی.
- ۷- رک: مقدمه فاضلانه پرنسور نذیر احمد مصحح کتاب. از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳، تهران.
- ۸- فهرست عناوین این فرهنگها در مقاله یاد شده در بند ۲ آمده است.
- ۹- ماخذ اخیر.
- ۱۰- ماخذ اخیر.

- ۱۱- پرفسور امیر حسن عابدی جایزه "PADAM SHRI" نشان افتخار سال ۱۹۹۲ ریاست جمهور هند نائل گردید و بدین مناسبت مجلس بزرگداشتی برای او با حضور مقامات بلند پایه دانشگاهی و سفیر جمهوری اسلامی ایران برگزار گردید.
- ۱۲- مبداء این رقم سال فارغ التحصیل شدن استاد از دوره فوق لیسانس دانشکده سنت جانس، دانشگاه آگرا به سال ۱۹۴۳ و نیز انتصاب ایشان به عنوان استادیار زبان فارسی در دانشکده سنت استقن، دهلی، به سال ۱۹۴۵ است.
- ۱۳- YOGAVASISTHA در اصل به زبان سانسکریت و منظومه‌ای شامل ۲۰ هزار بیت بوده که بعدها خلاصه‌های متعدد از آن فراهم گردیده و از معتبرترین آثار درباره عقاید فلسفی هند بشمار می‌رود.
- ۱۴- صورت دیگری است از توپچان که شهری در شمال خراسان فعلی است. رک: مجلهٔ معارف، اعظم‌گره، ژوئن ۱۹۶۷.
- ۱۵- پدماموت (PADMAVAT) یک افسانهٔ هندی است که افراد زیادی آنرا به نثر و شعر ترجمه کرده‌اند که از جمله آنهاست: شمع و پروانه، پدماموت ذاکر، و تپدم، بوستان سخن، هنگامهٔ عشق، تحفة القلوب.
- ۱۶- جاییس: یکی از شهرهای ایالت یوپی. هند است.
- ۱۷- PANCHANKYANA این کتاب از متن کلاسیک سانسکریت به نام پنچانتترا در زمان اکبر پادشاه مغول به فارسی گردانیده شده بود.
- ۱۸- دکتر تارا چند (Dr. TARA CHAND) مورخ شهیر، دانشمند هندی، چندی رئیس انجمن هند و ایران بود و در آن زمینه مطالعات ارزشمندی داشت. مدتی نیز سفیر هند در ایران (۱۹۵۱-۱۹۵۲) بود. در آبانماه ۱۳۴۲ به دعوت آن دانشگاه به ایران رفت و مقام استادی افتخاری آن دانشگاه به او اعطا گردید.
- ۱۹- دکتر سید مقبول احمد متولد ۱۹۳۴ در شهر اله آباد بود در همان دانشگاه تحصیل کرد و دکترا در زبان و ادبیات فارسی گرفت. او استاد و رئیس بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دهلی بود و به سال ۱۹۹۰ درگذشت.
- ۲۰- کتابی اخلاقی و عرفانی و مانند روش مولوی در مثنوی تمثیل‌آمیز است. در این منظومهٔ کوچک لورک نقش جمال ظاهر، میناروح، دلاله نفس سرکش ساتن ابلیس

را دارد.

۲۱- این کتاب به سال ۱۹۸۳ به همت انجمن فارسی دهلی به چاپ رسیده است.

۲۲- به نقل شفاهی استاد.

۲۳- مجله سخن، تهران، دسامبر ۱۹۵۵، فارسی.

۲۴- یادنامه نذر عرشی، دهلی‌نو، اردو.

۲۵- مجله علوم اسلامی علیگر، ژوئن ۱۹۶۱، اردو.

۲۶- منادی، دهلی‌نو، نوامبر ۱۹۸۱، اردو.

۲۷- نیا دور، لکهنو، آوریل ۱۹۶۹، اردو.

۲۸- مجله یقما، تهران، ژانویه ۱۹۵۶، فارسی.

۲۹- فرهنگ و هنر، تهران، بهمن‌ماه ۱۳۵۵، فارسی.

۳۰- هندنو، تهران، مارس ۱۹۶۲، فارسی.

۳۱- اسلامک کلچر، حیدرآباد، آوریل ۱۹۶۴، انگلیسی.

۳۲- معارف، اعظم‌گروه، نوامبر ۱۹۶۲، اردو.

۳۳- مجله انجمن هند و ایران، دهلی‌نو، ۷۷-۱۹۷۶، فارسی.

۳۴- فردوسی، ادبیات جهان، تهران (جشن طوس)، ۱۹۷۶، فارسی.

۳۵- یادنامه آغا شیر قزلباش، دهلی‌نو، ۱۹۸۳، اردو.

۳۶- دانش، سری‌نگر شماره ۵، اردو.

۳۷- برهان، دهلی، ژوئن ۱۹۶۵، اردو.

۳۸- جامعه، دهلی، نوامبر ۱۹۶۳، اردو.

۳۹- اسلامک کلچر، حیدرآباد، آوریل ۱۹۶۷، انگلیسی.

۴۰- سبرس، حیدرآباد، نوامبر ۱۹۶۸، اردو.

۴۱- اندو ایرانیکا، کلکته، دسامبر ۱۹۶۵، فارسی.

۴۲- معاصر، پتنا، ژوئیه ۱۹۵۹، اردو.

۴۳- مجله انجمن تحقیقات بهار، پتنا، ۱۹۶۸، اردو.

۴۴- سبرس، حیدرآباد، نوامبر ۱۹۶۶، اردو.

۴۵- برهان، دهلی، نوامبر ۱۹۶۷، اردو.

- ۴۶- رنگ و بو، بریلی، مارس ۱۹۶۸، اردو.
- ۴۷- مجله کتابخانه خدا بخش، پتنا، ژانویه ۱۹۸۰، فارسی.
- ۴۸- مجله کتابخانه خدا بخش، پتنا، ۱۹۸۲، اردو.
- ۴۹- نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، اصفهان، ۱۹۷۶-۷۷، فارسی.
- ۵۰- اندر ایرانیکا، کلکته، دسامبر ۱۹۶۵، فارسی.
- ۵۱- خرد و کوشش، شیراز، آذرماه ۱۳۵۱، فارسی.
- ۵۲- کیهان فرهنگی، تهران، دیماه ۱۳۶۳، فارسی.
- ۵۳- مجله علوم اسلامی علیگره، ژوئیه ۱۹۶۰، اردو.
- ۵۴- خواجهوی کرمانی (۷۵۲-۶۸۹) شاعر بلند آوازه کرمان است که معاصر ابو سعید بهادر بود و علاوه بر دیوان خمسه‌ای نیز به سبک نظامی گنجوی دارد.
- ۵۵- آهنگ، دهلی، اکتبر ۱۹۵۹، فارسی.
- ۵۶- آئینه هند، تهران، مردادماه ۱۳۴۷، فارسی.
- ۵۷- شیرازه، سری‌نگر، سپتامبر ۱۹۶۸، اردو.
- ۵۸- در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم سرزنشها گر کند خار مفیلان غم مخور
حافظه
- ۵۹- آج کل، دهلی‌نو، نوامبر ۱۹۷۴، اردو.
- ۶۰- صبا، حیدرآباد، سپتامبر ۱۹۶۴، اردو.
- ۶۱- مجله انجمن هند و ایران، دهلی‌نو، آوریل-ژوئیه ۱۹۷۴، انگلیسی.
- (نام مقاله "Maulana Jalaluddin Rumi - His Time and Relevance to
Indian Thought".
رساله جامع علوم انسانی)
- ۶۲- آکادمی، لکهنو، ژانویه-فوریه ۱۹۸۳، اردو.
- ۶۳- مجله انجمن هند و ایران، دهلی‌نو، ۱۹۷۶-۷۷، فارسی.
- ۶۴- معارف، اعظم‌گره، ژانویه ۱۹۸۶، اردو.
- ۶۵- مجله انجمن هند و ایران، دهلی‌نو، ۱۹۷۶، فارسی.
- ۶۶- مجله سخن، تهران، ژانویه-فوریه ۱۹۷۷، فارسی.
- ۶۷- ادب، کابل، ژوئن-ژوئیه ۱۹۶۶، فارسی.

۶۸. نیا دور، لکهنو، مه ۱۹۶۲، اردو.

۶۹. آئینه هند، تهران، شهریور ۱۳۴۷، فارسی.

۷۰. دانش، سری‌نگر، اردو.

۷۱. آهنگ، دهلی، نوامبر ۱۹۵۹، فارسی.

۷۲. شیرازه، سری‌نگر، ژوئن ۱۹۶۲، اردو.

۷۳. اندو ایرانیکا، کلکته، مارس-ژوئن ۱۹۷۸، فارسی.

۷۴. آهنگ، دهلی، دسامبر ۱۹۵۹، فارسی.

۷۵. راهنمای کتاب، تهران، مرداد ۱۳۴۹، فارسی.

۷۶. نیا دور، لکهنو، نوامبر-دسامبر ۱۹۸۰، اردو.

۷۷. آج کل، دهلی‌نو، ژوئیه ۱۹۸۱، اردو.

۷۸. آکادمی، لکهنو، ژوئیه ۱۹۸۱، اردو.

۷۹. این دو بیت مشهور را امثال و حکم دهخدا از سعدی دانسته است.

۸۰. پاره‌ای مقالات چاپی استاد را در کتابخانه‌های دهلی نیاقتم و بنا بر این شماره مجله

و سال انتشار آنهایی را که در «عابدی‌نامه» نقل شده بود، از آن کتاب نقل کردم.

~~*~*~*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله مطالعات علوم انسانی